



نگرشی بر سیره اخلاقی پیامبر اکرم (ص)

«عسگر آرمون»، «حجت الاسلام عبدالله اسدی»

چکیده

انسان برای دستیابی به مدارج بالاتر اخلاقی و تربیتی در زندگی، نیازمند الگو و سرمشقی مطمئن است. مطابق آیات قرآن کریم و روایات پیشوایان دینی و ائمه معصومین (ع)، نیکوترین و مناسب ترین الگو «رسول گرامی اسلام (ص)» است. به یقین، تبعیت از آن حضرت می تواند انسان را برای دست یابی به حیات طیبه در رفتارهای فردی و اجتماعی دنیوی و سعادت اخروی رهنمون سازد.



بر این اساس، برای رسیدن به جایگاهی امن و مطمئن در دنیا و آخرت، بررسی آداب و سیره اخلاقی و تربیتی پیامبر اعظم (ص) و الگوگیری از آن حضرت، لازم و ضروری است.

در این راستا، مطالعه حاضر با محوریت: «نگرشی بر سیره ی تربیتی و سجایای اخلاقی پیامبر اکرم (ص)»، با هدف آشنایی با اخلاق و آداب تربیتی در سیره عملی و کلام آن رسول بزرگوار، انجام یافته است.

واژگان کلیدی: پیامبر اکرم (ص)، تربیت، اخلاق، سیره ی عملی، احادیث.

مقدمه

انسان به عنوان اشرف مخلوقات زمانی «انسانی شایسته» است که همواره دارای اخلاق و تربیت انسانی باشد، در غیر این صورت همچون موجود خطرناکی است که با بهره گیری از هوش سرشار انسانی، دنیای امن و آباد را نابود می سازد و به آتش می کشد و در جهت نیل به اهداف و منافع نامشروع مادی خویش، جنگ و فتنه به پا می کند، انسان های دیگر را بیرحمانه به استثمار می کشد، مسکن و پناهگاه انسان های مظلوم را غصب می کند و انسان های بی گناه را به خاک و خون می کشد.

از ضروریات اخلاق انسانی، رفتار شایسته در جامعه و آداب صحیح معاشرت است؛ در این زمینه، انبیاء و ائمه معصومین (علیهم السلام)، سفارش و تأکید فراوانی کرده اند. با تأمل و نگرش در زندگانی پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت اطهار (ع)، می توان معیارهای افعال و اعمال اخلاقی را در جامعه اسلامی مشخص نمود.

از دیدگاه اسلام، انسان به عنوان موجودی اجتماعی و تربیت پذیر است که تعالی، رشد و شکوفایی اخلاقی وی در بستر جامعه صورت می گیرد، از این رو توصیه های اخلاقی و تربیتی خاصی را برای ظهور استعدادها و توانایی های انسان، ارائه کرده است.

این در حالی است که خداوند انسان را طوری خلق نموده است که به طور فطری طالب کمال و فضیلت های اخلاقی - انسانی است. دل انسان به دنبال افراد کمال یافته و آراسته به فضائل و زیبایی های معنوی و حقیقی، است و بی اختیار آنان را تحسین می کند. رمز توفیق فرستادگان الهی، در جذب دل های پاک و مستعد را می توان در همین نکته جستجو کرد. چرا که انبیاء و اولیای الهی جامع فضائل و مناقب و شایسته ترین انسان های عصر خود بوده اند و حقیقت جویان و سعادت طلبان عالم که وجدانی آگاه و عقلی پویا دارند - بدون در نظر گرفتن آئین و اعتقادات خود- با مطالعه زندگی، رفتار و سیره اولیای الهی، از عمق جان شیفته آنان می شوند و در بسیاری موارد مطالعه سیره

و اخلاق آنان، دل‌های مشتاق را به سوی حق و حقیقت هدایت می‌کند.

به یقین می‌توان گفت که آموزه‌های تربیتی ائمه اطهار (ع)، که تمام مراحل زندگی انسان، از هنگام تولد تا زمان مرگ را دربرمی‌گیرد، راهی روشن برای اصلاح جامعه و در جهت دستیابی به آرمان شهر اسلامی است.

بر همین مبنا، هدف اساسی این مطالعه، بررسی و تبیین سیره تربیتی، فضائل اخلاقی و کرامات حضرت پیامبر اعظم (ص) است.

□ تعاریف مفاهیم

سیره: در فرهنگ لغات معانی متعددی برای سیره آمده است. راغب اصفهانی سیره را به معنای حالتی دانسته که انسان یا غیر انسان بر آن حالت باشد، چه آن حالت غریزی (غیر اکتسابی) باشد یا اکتسابی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۴۷).

در فرهنگ لغت مجمع البحرین نیز، «سیره» به طریقه، هیأت و حالت معنی شده است (طریحی نجفی، ۱۳۹۶ق، ج ۳، ص ۱۰۵).

از نظر شهید مطهری، سیره، عبارتست از روش، طریقه عمل و یا رفتاری که با تکرار و استمرار همراه باشد، به نحوی که پس از مدتی به صورت یک قاعده و قانون برای رفتار تبدیل شود (مطهری، ۱۳۷۵، ج ۱۶، ص ۷۲).

در این مطالعه منظور از سیره عملی، سبک و شیوه زندگانی عملی و رفتاری حضرت پیامبر اکرم (ص)، در بعد فردی، خانوادگی و اجتماعی ایشان است و مقصود از سیره نظری، بررسی دیدگاه‌های آن حضرت در مورد شیوه رفتار تربیتی و اخلاقی با مطالعه احادیث نقل شده از آن پیامبر بزرگوار و روایات معتبر وارده در مورد آن حضرت است.

تربیت: موضوع ماهیت انسان و نگرش صاحب نظران و اندیشمندان یا مکاتب مختلف نسبت به این موضوع، موضع‌گیری‌های گوناگونی را در رابطه با تعریف، هدف یا ماهیت تربیت موجب شده است.

واژه تربیت، از ریشه ی «رب» است و از لحاظ لغوی به معنای، نشو و نما دادن، برکشیدن، زیاد کردن و مرغوب یا قیمتی ساختن آمده است (شکوهی، ۱۳۸۲ ص ۱۲).

مطابق دیدگاه شهید مطهری، «تربیت به معنای پرورش دادن و به فعلیت درآوردن استعداد‌های

درونی که در شئی نهفته است، می‌باشد» (مطهری، ۱۳۷۵، ص ۲۱).

اخلاق: واژه اخلاق، از ریشه ی خُلِق و خُلِق و به معانی خوی، سرشت، طبیعت و ... آمده است. در لغت نامه لسان العرب، ریشه واژه های «خُلِق» و «خَلَق» یکی است؛ و هر دو به معنای آفریدن و خلقت می باشد، مانند «شَرِب» و «شُرِب» (آشامیدن). یعنی خُلِق و خَلَق، از نظر آوایی با هم متفاوتند نه از لحاظ معنایی. اما معمولاً در موارد متفاوتی به کار می روند؛ در اصل منظور از «خُلِق و خُلِق» صورت باطنی و ناپیدای شخص است که با بصیرت (چشم دل) درک میشود؛ در مقابل آن واژه ی «خَلَق» است که به صورت ظاهری انسان گفته می‌شود و با چشم می توان آن را مشاهده نمود (ابن منظور، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۱۹۴).

از دیدگاه برخی اندیشمندان، منظور از اخلاق هرگونه «صفت نفسانی» است که سبب پیدایش کارهای پسندیده یا ناپسند می شود؛ اگر چه آن صورت نفسانی به صورت استوار و پایدار باشد و چه به صورت ناپایدار و خواه از روی فکر و اندیشه به وجود آید یا بدون تفکر و تعقل.

تعریف مورد قبول شهید مطهری در مورد اخلاق، آن تعریفی است که هم به چگونه رفتار کردن پرداخته باشد و هم به چگونه بودن؛ چگونگی رفتار به اعمال و گفتار انسان ارتباط دارد ولی چگونه بودن با صفات و ملکات نفسانی آدمی رابطه دارد (مطهری، ۱۳۷۸، ص ۲۲).

به طور کلی، اخلاق دارای مفاهیم و ارزش هایی است که بیرون از فرد و جامعه شکل گرفته اند، فراتر از اجتماع و دارای وجود خارجی می باشند.

□ پیامبر اکرم (ص)؛ شایسته ترین الگو

پیامبر اعظم (ص) به دلیل داشتن «خُلِق عَظِيم»^۱ و «رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»^۲، نمونه و الگوی مکارم اخلاقی برای تمام انسان ها در تمام دوران ها بوده است. آن حضرت به عنوان بهترین و کامل ترین اسوه ی راستین بشریت، نسبت به تمام مردم بسیار دلسوز، صمیمی و مهربان بود. در راستای متخلق بودن به اخلاق و کردار کریمانه بود که حضرت در طول ۲۳ سال نبوت توانست، دل های گمراه بسیاری را شیفته مکتب اسلام کند.

در بیان عظمت پیامبر اکرم (ص) می توان گفت که خداوند برای تکریم و تجلیل مقام آن حضرت، در قرآن با لقب های بی همتایی، مانند؛ «یا ایها الرّسول» و «یا ایها النّبی»، از ایشان یاد می کند.

۱ - سوره ی قلم، آیه ی ۴.

۲ - سوره ی انبیا، آیه ی ۱۰۷.

همچنین، جایگاه، عظمت و بزرگواری پیامبر اکرم (ص)، بدان حد بوده است که خداوند به وجود گرامی او چنین سوگند یاد می‌کند: «لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ ۱»؛ به جانت سوگند که اینها در مستی خود سرگردانند.

علاوه بر آن، قرآن کریم، رسول گرامی اسلام (ص) را به عنوان اسوه ای نیکو یاد نموده است که همگان باید به آن حضرت تأسی نمایند: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ ۲»؛ به یقین برای شما، در زندگی رسول خدا الگوی نیکویی است. همچنین خداوند درباره آن رسول گرامی می‌فرماید: «وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ ۳»؛ به یقین تو اخلاق عظیم و بزرگی داری. همچنین در آیه ای دیگر، خداوند مؤمنان را امر کرده است که از دستورات نبی اکرم (ص) پیروی کرده، فرامین او را به جای آورند و آنچه را از آن باز داشته است، رها سازند: «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا ۴». در آیه دیگری اشاره نموده است: «وَاطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ۵»؛ و از خدا و رسول اطاعت کنید، باشد که مورد رحمت قرار گیرید.

از سعد بن هشام^۶، نقل شده که می‌گوید: «از عایشه همسر رسول اکرم (ص) در وصف اخلاق پیامبر خدا (ص) سوال کردم. او در این باره گفت: آیا قرآن نخوانده‌ای؟ گفتم چرا؟ سپس گفت: «اخلاق پیامبر (ص) همان قرآن است» (فیض کاشانی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۲۱).

روایت فوق، اخلاق نبی اکرم (ص)، را به قرآن تشبیه نموده است، یعنی اینکه اگر کسی به دنبال نمونه‌ی عینی و عملی قرآن است، اخلاق آن حضرت را بررسی کند، تا دریابد که چگونه قرآن در اخلاق، بینش، منش و سیره‌ی آن حضرت تبلور یافته است.

همچنین، علی (ع) پیامبر خدا را الگوی شایسته پیروی معرفی می‌کند و الگوپذیری از ایشان را برای همگان بسنده می‌داند، چنان که می‌فرماید: «روش نبی خدا (ص) برای الگو بودن تو کافی است و پیامبر در نکوهش دنیا و کاستیهای و رسوایی‌ها و بدیهای فراوان آن راهنمای تو می‌باشد. پس، به پیامبر پاک و پاکیزه تمسک جوی که راه و رسم او الگویی برای همه الگوخواهان و مایه بزرگی است برای کسی که خواهان بزرگواری باشد. دوستترین بنده نزد خدا کسی است که از پیامبرش پیروی کند و گام بر جای پای او نهد (دشتی، ۱۳۸۲، خطبه ۱۶۰).

۱ - سوره ی حجر، آیه ی ۷۲.

۲ - سوره ی احزاب، آیه ی ۲۱.

۳ - سوره ی قلم، آیه ی ۴.

۴ - سوره ی حشر، آیه ی ۷.

۵ - سوره ی انعام، آیه ی ۵۹.

۶ - سعد بن هشام یکی از مسلمانان دوره نخستین اسلامی می‌باشد.

امام صادق (ع) هم در بیان اهمیت الگوگیری از پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «أَنْتِي لِأَكْرَهُ لِلرَّجُلِ أَنْ يَمُوتَ وَقَدْ بَقِيََتْ عَلَيْهِ خَلَّةٌ مِنْ خِلَالِ رَسُولِ اللَّهِ لَمْ يَأْتِهَا» (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۴۶۷)؛ دوست ندارم مسلمانی بمیرد، مگر اینکه تمام آداب و سنت های رسول خدا (ص)، را [اگر چه یکبار] انجام دهد.

□ تربیت در سیره عملی و احادیث پیامبر اکرم (ص)

جذابیت روحانی، عرفانی و معنوی فرستادگان الهی به قدری والاست که امروزه هرگاه اندیشمندان اسلام شناس، قطره ای از سیره تربیتی و اخلاقی آن بزرگواران را در کام تشنگان راه حقیقت می ریزند، آنان را مجذوب ساخته و جویندگان حق و حقیقت را گرد انبیا و اولیا الله جمع می نمایند.

افزون بر این، محبت و ارادت به انبیا و اولیای الهی اختصاص به مسلمانان ندارد. در میان سایر ادیان هم، اندیشمندان زیادی هستند که احادیث و روایات فراوانی در زمینه سیره علمی و عملی و فضایل فرستادگان خدا و ائمه اطهار (ع) و به خصوص پیامبر اکرم (ص) را گردآوری و بررسی نموده و انتشار ساخته اند.

به این لحاظ، در ذیل برخی از خصوصیات و فضائل اخلاقی - عملی و سیره تربیتی پیامبر اکرم (ص)، در چهار حیطه؛ تربیت اخلاق معنوی، تربیت اخلاق فردی، تربیت اخلاق اقتصادی و تربیت اخلاق اجتماعی، بررسی می شود:

● الف) تربیت اخلاق معنوی

تربیت، دارای زمینه ها و ابعاد مختلفی، چون؛ معنوی، عاطفی، اجتماعی، فردی و... است. از مهمترین ابعاد تربیت؛ تربیت معنوی است که به عقیده اکثر اندیشمندان تربیتی، پرورش این بعد پایه و اساسی بر همه ابعاد دیگر است. این ویژگی جوهره اساسی رفتار و منش فرد دیندار را تشکیل می دهد و به عنوان مهمترین عامل در ایجاد تمایز تربیت دینی از دیگر حوزه های تربیتی مطرح می گردد. محور اصلی در تربیت معنوی، «خدا» است و منظور از خدامحوری، جهت گیری همه ی اعمال و رفتارهای انسان در راستای ملائکه ها و معیارهای الهی است. این نوع تربیت که شامل پرورش بعد معنوی انسان و فراهم نمودن زمینه ی ارتباط انسان با خداوند و در نهایت پرورش انسان برای رسیدن به قرب الهی است، بسیار مورد تاکید انبیا و ائمه اطهار (ع) بوده است و آن بزرگواران در تمام صحنه های زندگی بیشترین اهمیت را به پرورش بعد معنوی انسان می دادند.

از بزرگترین ثمرات ایمان و تربیت معنوی، دستیابی به آرامش دل و روان آدمی است: «الَّذِينَ

آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ. أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ^۱؛ آنان که ایمان آورده اند دل‌هایشان به یاد خداوند آرام گیرد. همانا با یاد خداوند دل‌ها آرام می‌گیرد.

با بررسی دیدگاه پیامبر اکرم (ص)، می‌توان استنباط نمود که علاوه بر آموزش آداب و رفتارهای اجتماعی و اخلاقی، باید نسل حاضر و آینده جامعه را با نکات معنوی و تربیت دینی آشنا نمود. این شیوه علاوه بر اینکه نسل جامعه را با مبدأ حقیقی جهان آفرینش مرتبط می‌سازد؛ در آنان روحیه اعتماد به نفس و نیروی استقامت و پایداری در مقابل مشکلات فراوان زندگی نیز ایجاد خواهد کرد.

در ذیل برخی از ابعاد تربیت اخلاق معنوی؛ سیره عملی و نظری پیامبر اکرم (ص) در این راستا، تحلیل می‌شود.

۱- عبادت خدا

در مکتب اسلام، عبادت جزء ناگسستنی برنامه‌های تربیتی محسوب می‌شود. در واقع عبادت، از اهداف خلقت و وسیله‌ای برای تقرب به حق و تکامل واقعی و در عین حال مقدمه و زمینه ساز تربیت اجتماعی و اخلاقی بشر است.

در حقیقت، عبادت پروردگار و در راستای بندگی خدا قرار گرفتن امری است که بدون آن بشر به تعالی و کمال واقعی خود نمی‌رسد و پله‌های سعادت را نمی‌تواند پیماید. بر طبق آیات قرآن کریم هدف از خلقت بشر و بعثت انبیاء «عبادت و بندگی خدا»^۲ معرفی شده است که به عنوان یک امر استمراری از هنگام بلوغ بشر شروع شده و تا لحظه مرگ ادامه می‌یابد: «وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ»^۳؛ پروردگارت را عبادت کن تا لحظه یقین مرگ فرا رسد.

انبیاء و ائمه اطهار (ع) همواره لحظه‌ای از عبادت و مناجات با خداوند غافل نبوده‌اند، روح عبادت و بندگی بر تمام اعمال آنها حاکم بوده است به طوری که آنها را تابع محض اوامر پروردگار گردانیده و هوای دوست را بر خواسته‌های خویش ترجیح داده‌اند.

در وصف کیفیت عبادت رسول گرامی اسلام (ص) آمده است که: «آن حضرت وقتی به نماز می‌ایستاد از ترس خدا رنگ از رخسارش می‌پدید و از درون دل و قفسه سینه اش صدائی نظیر صدای اشخاص خائف و وحشت زده شنیده می‌شد» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۶۳).

۱ - سوره ی رعد، آیه ی ۲۸.

۲ - سوره ی ذاریات، آیه ی ۵۶: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»؛ جن و انس را نیافریدم مگر اینکه مرا پرستش کنند.

۳ - سوره ی حجر، آیه ی ۹۹.

در روایت دیگری آمده است که پیامبر اکرم (ص) وقتی که نماز می خواند مانند پارچه ای می شد که در گوشه ای افتاده باشد (همان). همچنین بنابر روایتی عایشه گفته است: «هنگامی که با رسول خدا (ص) صحبت می کردیم، همین که موقع نماز می شد حالتی به خود می گرفت که گوئی نه او ما را می شناخته و نه ما او را می شناخته ایم (همان، ص ۲۶۴).

مفیدالدین طوسی نقل نموده که حضرت علی (ع) آن هنگام که ولایت مصر را به محمد بن ابی بکر داد، دستورالعملی به او تدوین نمود و در ضمن آن فرمود: «مواظب رکوع و سجود خودت باش، زیرا؛ رسول خدا (ص) از همه مردم نمازش کامل تر و در عین حال اعمالش در نماز از همه سبک تر و کمتر بود» (صدوق، ۱۴۰۸ق، ۱۵۶).

در میان انواع عبادت های رسول اکرم (ص)، هیچ یک با نماز یکسان نبودند. نماز محبوب ترین عبادت آن حضرت و نور چشمان ایشان بود (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱ق، ص ۵۰۴).

در این زمینه پیامبر اعظم (ص)، به ابوذر فرمود: «ای ابوذر، خداوند نور چشم مرا در نماز قرار داده و آن را آنچنان محبوب من ساخته که غذا را برای گرسنه و آب را برای تشنه؛ [جز آنکه] گرسنه با خوردن غذا و تشنه با نوشیدن آب سیر و سیراب می شوند اما من از نماز سیر نمی شوم» (جرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۳۱۲).

یکی از بزرگ ترین مظاهر عبادت آن حضرت این بود که در همه ی شرایط و اوضاع و احوال، تسلیم الهی بوده و رو به سوی او داشت. به یقین کسی که با تسلیم در برابر حق، به سوی خدا رو آورد، می توان گفت بهترین و برترین مظاهر دیانت را از خود نشان داده است. خداوند متعال فرمود: «وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ. ۱»

این سخن الهی از لحاظ محتوایی در بین کتب آسمانی منحصر به فرد بوده و بیانگر چگونگی تسلیم شدن در برابر خدا است. قرآن کریم پیامبر اکرم (ص) را مخاطب قرار داده و فرموده است: «قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ ۲»؛ ای پیامبر، بگو نماز و طاعت و زندگی و مرگم برای خداوند پروردگار جهانیان است، شریکی ندارد و به همین کارها مأمور شده ام و من نخستین کسی هستم که تسلیم امر خدا می باشم.

پیامبر اکرم (ص)، در بیان اهمیت عبادت می فرماید: «خَيْرُكُمْ مَنْ أَطْعَمَ الطَّعَامَ وَ أَفْشَى السَّلَامَ وَ صَلَّى بِاللَّيْلِ وَ النَّاسِ نِيَامًا»؛ بهترین شما کسی است که اطعام طعام کند و افشای سلام نماید و در حالی

۱ - سوره ی نسا، آیه ی ۱۲۵.

۲ - سوره ی انعام، آیات ۱۶۲ و ۱۶۳.

که مردمان در خوابند، نماز گزارد (صدوق، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۰۳).

۲- توکل و اعتماد به خدا

یکی از ابزارهای مؤثر تربیتی، اعتماد و توکل به خدا است. حقیقت توکل این است که انسان تلاشگر، کار خود را به خدا بسپارد و حل مشکلات خود را تنها از او بخواهد؛ خدایی که از تمام نیازهای او مطلع و نسبت به او رحیم و مهربان است و توانایی حل هر مشکلی را دارد. کسی که دارای روحیه ی توکل است، هرگز یأس و نومیدی را به خود راه نمی‌دهد، در برابر مشکلات احساس ضعف و ناتوانی نمی‌کند و در برابر حوادث سخت، مقاومت می‌کند و همین فرهنگ و عقیده، چنان به او قدرت روانی می‌دهد که می‌تواند بر مشکلات پیروز شود. از سوی دیگر، امدادهای غیبی که به متوکلان نوید داده شده، به یاری او می‌آید و او را از شکست و ناتوانی رهایی می‌بخشد.

توشه اصلی نبی اکرم (ص) در به انجام رساندن همه امور، به ویژه در زمان انجام رسالت بزرگش، «توکل» همراه با تلاش و زحمت بود. در همین راستا همنوا با قرآن کریم می‌فرماید: «قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ»؛ بگو خداوند مرا کافی است و متوکلان باید بر او توکل کنند.

پیامبر اکرم (ص)، درباره توکل بر خدا در انجام امور می‌فرماید: «مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ كَفَاهُ مَوْلَانَهُ وَرَزَقَهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» (متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۱۰۳)؛ هر کس به خدا توکل کند، خداوند هزینه او را کفایت می‌کند و از جایی که گمان نمی‌برد به او روزی می‌دهد.

همچنین آن حضرت می‌فرماید: «الطَّيْرَةُ شِرْكُ وَمَا مَنَّا إِلَّا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُدْهِبُهُ بِالتَّوَكُّلِ» (قزوینی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۱۱۷)؛ فال بد زدن شرک است و هیچ کس از ما نیست مگر این که به نحوی دستخوش فال بد زدن می‌شود، اما خداوند با توکل به او آن را از بین می‌برد.

روزی رسول گرامی اسلام (ص) گروهی را که کشت و کار نمی‌کردند، دیدند و فرمودند: «ما أَنْتُمْ؟»؛ شما چه کاره اید؟ «قَالُوا: نَحْنُ الْمُتَوَكِّلُونَ»؛ عرض کردند ما توکل کنندگانیم. قال: لا، بَلْ أَنْتُمْ الْمُتَكَلِّمُونَ»؛ حضرت فرمودند: نه، شما سر بارید (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص ۲۱۷). این روایت بیان می‌کند که توکل بدون سعی و تلاش کاری بیهوده و باطل می‌باشد. در صورتی توکل عملی شایسته و دارای سرانجامی نیکو خواهد بود که همراه با تلاش و کوشش انسان باشد.

پیامبر اکرم (ص) درباره نتیجه توکل کردن به غیر خدا، این چنین تعبیری را از جانب پروردگار بیان می‌کند: «قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَا مِنْ مَخْلُوقٍ يَعْتَصِمُ دُونِي إِلَّا قَطَعْتُ أَسْبَابَ السَّمَاوَاتِ وَأَسْبَابَ الْأَرْضِ مِنْ دُونِهِ فَإِنْ سَأَلَنِي لَمْ أُعْطِهِ وَإِنْ دَعَانِي لَمْ أُجِبْهُ» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۸۵)؛ خداوند عزوجل

می فرماید: هیچ مخلوقی نیست که به غیر من پناه ببرد، مگر این که دستش را از اسباب و ریسمان های آسمانها و زمین کوتاه کنم، پس اگر از من بخواهد عطایش نکنم و اگر مرا بخواند جوابش ندهم.

● (ب) تربیت اخلاق فردی

زندگانی گهر بار پیامبر اکرم (ص)، سرشار از معنویت، صفا، عاطفه و مهرورزی است. در بعد اخلاق و آداب زندگانی فردی، آن حضرت نمونه کامل انسانی از لحاظ محبت و مهربانی، نیک خلقی، صداقت و راستگویی، علم و دانش، گذشت و فداکاری، جوانمردی و... است.

در ذیل به برخی از آداب تربیتی فردی حضرت پیامبر اکرم (ص)، پرداخته می شود.

۱- علم و دانش

انبیاء، پیشوایان و امامان بزرگ ما، هر یک بزرگترین معلم بشریت بوده اند.

مطابق آیات قرآن و روایات اسلامی، منبع اصلی دانش پیامبران، علم بیکران الهی بوده است؛ علمی که به توسط فرشته وحی در بیداری، یا رؤیاهای صادق و یا توسط انبیاء پیشین و نظایر آن ها، به پیامبران عطا می شد.

خداوند در قرآن کریم بر رسول اکرم (ص) امر می کند که از درگاه الهی گسترش علم خود را طلب کند: «وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا». در آیات دیگر قرآن کریم، همواره کسانی که اهل علم و آگاهی نیستند، مورد سرزنش واقع شده اند و نبود علم، علت بسیاری از مشکلات دیگر شمرده شده است.^۲

بنا به شواهد قطعی تاریخ و مطابق آیات قرآن کریم، ضمیر باطنی رسول اکرم (ص)، از تعلیم و فراگیری دانش بشری، پاک بوده است. او انسانی است که مکتبی، جز مکتب تعلیم الهی ندیده و جز از حق، دانش نیاموخته است. با این حال او معلم بشر و پدید آورنده دارالعلمها و دانشگاهها است (مطهری، ۱۳۷۳، صص ۱۰۳ و ۱۰۴).

ابن خلدون می گوید: «پیغمبر امی بوده است، لیکن امی بودن برای او کمال بود، زیرا؛ علم خویش را از عالم بالا فرا گرفته بود؛ بر خلاف ما که امی بودن برای ما نقص است، زیرا مساوی با جاهل بودن ماست» (ابن خلدون، ۱۴۲۲ق، ص ۴۱۹).

۱ - سوره ی طه، آیه ی ۱۱۴.

۲- مانند سوره ی بقره، آیه ی ۲۸۰؛ سوره ی نحل، آیه ی ۹۵؛ سوره ی عنکبوت، آیه ی ۱۵ و ...

معارف متعالی و احکام و قوانین جامع و همه جانبه قرآن کریم، و نیز فرموده‌ها و سیره آن حضرت، بهترین گواه بر مقام والای علمی و دانش وسیع آن حضرت می‌باشد. به یقین، پیامبر اعظم (ص)، معدن علم و دانش بوده و در رأس دانشمندان جهان قرار گرفته است.

احادیث فراوانی از آن حضرت در باب فراگیری علم و دانش و جایگاه و اهمیت آن روایت شده است. در اینجا به روایتی اشاره می‌شود که به خوبی بیانگر جایگاه و عظمت علم و عالم از دیدگاه پیامبر اکرم (ص) است. یکی از انصار نزد پیامبر (ص) آمد و گفت اگر بنا باشد جنازه ای را تشییع کنم یا در مجلس مرد دانشمندی حاضر شوم حضور مرا در کدامیک از این دو دوست تر می‌دارید. حضرت فرمودند: «اگر کسانی باشند که در پی جنازه روان شوند و آن را به خاک سپارند حاضر شدن در مجلس عالمی که علوم و احادیث و آیات الهی را بیان می‌نماید از حضور در تشییع هزار جنازه و عیادت نمودن از هزار بیمار و برپا ایستادن برای عبادت خدا در هزار شب و روزه داشتن در هزار روز و صدقه دادن هزار دینار به فقیر و گزاراندن هزار حج و حضور در هزار جنگ در راه خدا فضیلت بیشتری دارد. اینها کجا به پای حضور در مجلس علم الهی می‌رسد؟! آیا ندانسته ای که حیات و زنده بودن قلب به آموختن علم الهی است و مرگ و نابودی قلب آدمی به جهل و نادانی است؟!» (فتال نیشابوری، ۱۴۲۰ق، ص ۱۲).

پیامبر اعظم (ص) ارزش و جایگاه طالبان علوم دینی و الهی را چنین وصف می‌کند: «کسی که به دنبال یادگیری علوم الهی و مسائل دینی اش اقدام کند مانند کسی است که روزها را روزه و شب‌ها را به شب زنده داری تا صبح پراخته و آموختن یک مساله شرعی برای شخص بهتر از این است که به اندازه کوه ابوقبیس در راه خدا طلا انفاق نماید» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۸۴).

پیامبر اعظم (ص)، وجود فرد دانا و عالم را در میان مردم نادان چنین توصیف می‌فرماید: «شخص دانا و فهمیده نسبت به مسائل و احکام دینی در میان مردم نادان همچون زنده ای است در میان مردگان و هر چیزی حتی ماهیان دریا و گزندگان و درندگان و چهار پایان برای دانشجوی علوم الهی طلب آموزش می‌کنند، پس دانش دینی را بجوئید که آن و سیله پیوند میان شما و خدای عزوجل است و همانا طلب دانش دینی بر هر مسلمانی واجب است» (مفید، ۱۴۰۳ق، ص ۴۱).

آن حضرت حسرت خورندگان به علم در قیامت را دو دسته معرفی کرده و می‌فرماید: «دو کس در قیامت از همه مردم بیشتر حسرت می‌خورند؛ ۱- مردی که در دنیا برای طلب علم دین فرصت داشته ولی به خاطر تنبلی به جستجوی آن نرفته، دیگری مردی است که دانش دین را به دیگران آموخته و آنها به آن عمل نموده و به بهشت رفته اند، ولی خود عمل به آن دانش نکرده و باید به جهنم برود» (پاینده، ۱۳۷۵، ص ۶۰).

همچنین آن حضرت ارزش دانش مؤمن را با تعبیری زیبا چنین وصف می کند: «هر مومنی بمیرد و یک ورق کاغذ از او بماند که دانشی بر آن باشد آن ورقه روز قیامت میان او و دوزخ حائل و مانع شود و خدای تبارک و تعالی به هر حرفی که در آن کاغذ نوشته شهری در بهشت به او دهد که هفت برابر دنیا باشد» (صدوق، ۱۴۰۸ق، ص ۳۷).

۲- مهربانی و محبت

از مجموع نیازهای آدمی، «نیاز عاطفی» از مهمترین آنها به شمار می آید. بدون محبت می توان زنده بود؛ ولی نمی توان زندگی کرد. دین اسلام به محبت، خوش خلقی و برخورد نیکو با مؤمنان اهمیت زیادی داده است و آن را یکی از ارزش های والای اخلاقی می داند.

برطرف کردن این نیاز عاطفی در سنین پایین تر ضرورت بیشتری دارد. کودکان بیشتر به توجه و محبت دیگران حساس هستند. بنابراین، «در روایات و زندگی معصومین (ع)، محبت به کودکان مورد تأکید قرار گرفته است» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۲۰۱).

ابراز محبت و مهربانی با بندگان خدا از ویژگی های بارز پیامبر اکرم (ص)، بوده است.

سیره ی عملی و رفتار و معاشرتهای فردی و اجتماعی پیامبر اکرم (ص)، مملو از مهر و رحمت و عطف است. آن حضرت نسبت به همه مردم، حتی نسبت به کودکان دلسوز و مهربان بود.

خداوند در آیه ۱۲۸ سوره توبه، مهربانی پیامبر اکرم (ص) را در برابر مومنان، چنین بیان می کند: «عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيْمٌ»؛ به رنج افتادنتان بر او گران و دشوار است، به شما دلبسته است و به مؤمنان دلسوز و مهربان.

در مقابل در آیه دیگری جدیت و سرسختی آن حضرت را در برابر کافران ذکر می کند: «مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللّٰهِ وَالَّذِيْنَ مَعَهُ اَشْدَّاءٌ عَلٰى الْكٰفِرِيْنَ رَحْمٰةٌ لِّبَيْنِهِمْ»؛ محمد فرستاده خداست و کسانی که با اویند بر کافران سرسخت و در میان خود مهربانند.

گرچه خوش خلقی در هر جا و هر زمانی مورد ستایش و از سفارش های حضرت رسول (ص) است، اما رفتار نیکو در خانه و خوش رفتاری با اعضای خانواده سفارش ویژه پیامبر اکرم (ص) بوده، به گونه ای که یکی از شاخص های افراد نیک، برخورد مناسب و نیکو با خانواده است. آن حضرت در روایتی فرمودند: بهترین مردم از نظر ایمان، کسی است که دارای نیکوترین اخلاق باشد و لطیف ترین رفتار را با خانواده اش داشته باشد و من لطیف ترین شما نسبت به خانواده ام

هستم (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۸، ص ۳۸۷).

در روایت دیگری، به نقل از یکی از همسران آن حضرت آمده است: کسی خوش خلق تر از پیامبر (ص) نبود. هیچ کس از اصحاب و خانواده اش او را صدا نمی کرد، مگر اینکه آن حضرت در پاسخ او لبیک می گفت (اصبهانی، ۱۹۹۸م، ج ۱، ص ۱۳۷).

امروزه در شیوه های تربیتی از نکات مهمی که مورد توجه مربیان تربیتی قرار دارد، نوع پاسخ دادن به ندای دیگران، به ویژه خانواده و همسر، است. برخی از افراد ممکن است به دلایلی مانند خجالت کشیدن یا جلوگیری از - به اصطلاح - پرو شدن با الفاظ دیگری با خانواده سخن بگویند، در حالی که این سیره پیامبر نشان می دهد که ما در پاسخ گویی به ندای خانواده، باید از بهترین تعبیرها استفاده کنیم. در بیان دیگری، درباره سیره آن حضرت نسبت به خانواده آمده است: هنگامی که پیامبر (ص) با خانواده اش بود، شوخ ترین افراد به شمار می آمد (مناوی، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۱۸۰).

از موارد قابل توجهی که در سیره رسول اکرم (ص) مکرر نقل شده، احترام به کودکان است. در روایتی از انس بن مالک نقل شده است که پیامبر خدا از کنار کودکان که عبور می کردند به آنان سلام می کردند (بخاری، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۳۰۶). شاید بسیاری از افراد گمان کنند که چون کودکان کوچک ترند باید همیشه آنان به بزرگترها سلام کنند، در حالی که آموزش آداب اجتماعی آنان بر عهده بزرگترهاست.

پیامبر اکرم (ص) با وجود علو مقام و درجانش، در برخورد با کودکان با خوش خلقی و حتی در بسیاری از موارد، مزاح و شوخی برخورد می کرد. در روایتی از انس نقل شده است: گاهی من با برادر کوچکم به نزد پیامبر شرف یاب می شدیم. آن حضرت در برخورد با آن کودک، مزاح می کرد و می فرمود: «یا ابا عمیر ما فعل النُّغیر» (ابوطلحه انصاری کودک کی به نام اباعمیر داشته که پرنده کوچکی همانند گنجشک - که در عربی نُغیر نامیده می شود - داشته و این پرنده که برای او عزیز بوده می میرد و پیامبر برای مزاح با او چنین می فرمودند (اصبهانی، ۱۹۹۸م، ج ۱، ص ۱۵۴).

رحمت و محبت پیامبر اکرم (ص) به نحوی وسیع و بی پایان بوده است تا آنجا که عملاً به دوستان و پیروان خود در سطحی بسیار وسیع، درس احسان و محبت را می آموخت.

روزی پیامبر اکرم (ص) برای عده ای از یاران خود که به حضورشان مشرف شده بودند، این داستان را تعریف کردند: شخصی در صحرای سوزان دچار تشنگی شدیدی شد. برای رفع عطش، به درون چاهی رفت و با استفاده از آب چاه خود را سیراب نمود، در همان وقت دید سگی از شدت تشنگی بی تاب و توان شده و پوزه به خاک می مالده، برای آن مرد این اندیشه پیش آمد که حیوان

بیچاره مثل او دارای احساس تشنگی است و بخاطر نیافتن آب در رنج و عذاب افتاده است. احساس ترحم و مهربانی در وجودش به جوش آمده، لذا تصمیم گرفت حیوان تشنه را با مقداری آب سیراب سازد. در پی این تصمیم دوباره آن شخص داخل چاه رفت و کفش هایش را پر از آب کرد و پیش روی حیوانی که از سوز تشنگی جانش به لب رسیده بود گذاشت، خدای بزرگ به پاداش همین کردار نیک، آن مرد را مورد عفو و بخشش و عنایت خود قرار داد. یاران آن حضرت عرض کردند، آیا ما هم می توانیم در مورد حیوانات نیز از خداوند کسب پاداش کنیم؟ حضرت فرمودند: آری و به خاطر هر حیوان زنده ای که موفق به انجام خدمتی شوید، نزد خداوند مأجور خواهید بود (موسوی لاری، ۱۳۸۵، ص ۲۴۳).

با بررسی کوتاهی در سیره و تاریخ پیامبر اکرم (ص) می توان به این نتیجه رسید که راز موفقیت آن سرور کائنات در انجام رسالت خطیر خویش، بیش از هر عاملی، حُسن خلق و رفتار نیک آن حضرت بود که سبب گسترش و نفوذ آیین وی در اعماق جانها و در نقاط مختلف جهان شده است. رسول مکرم اسلام (ص) با این راهکار که از کلام وحی آموخته بود، نه تنها انسانهای مستعد و آماده هدایت را جذب می کرد، بلکه دشمنان قسم خورده اش را نیز تبدیل به دوستان صمیمی می نمود.

۳- تواضع و فروتنی

یکی از موانع مهم در راه تربیت و نیل به سعادت، خودمحوری و غرور و تکبر است. این ویژگی راه پذیرش هدایت را مسدود می کند و نیز موجب ایجاد مانعی بین فرد تربیت شونده و فرد تربیت دهنده می شود.

به هر میزان که روحیه تواضع در انسان پرورش یابد، امکان نیل به هدایت و قرب الهی بیشتر می شود و به هر میزان که ویژگی تکبر وی را محدود سازد، پافشاری بر ضلالت و گمراهی غیرقابل اجتناب است.

بنابراین، تواضع و فروتنی، یکی از مهمترین و برترین صفات پسندیده انسانی است. تواضع آن است که انسان در مقایسه با دیگران خود را برتر و بزرگتر نداند.

خداوند، آنجا که شخصی از بنی امیه، با مرد نایبایی از سر خود برتر بینی برخوردار می کند و چهره از او برمی گرداند، این آیه را نازل می کند: «عَبَسَ وَ تَوَلَّى * أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى * وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهٗ يَزْكَى ۱»؛ چهره درهم کشید و روی گردانید که آن مرد نابینا پیش او آمد. و تو چه دانی، شاید او به پاکی گراید. خداوند با نازل کردن این آیه، بر رفتار متکبرانه و مغرورانه فرد هشدار می دهد.

اسلام که عزت را از آن خدا و رسول خدا (ع) و مؤمنان می‌داند، تکبر و همچنین خواری را برای مؤمنان نمی‌پسندد، بلکه مؤمنان را عزیز می‌شمارد و در رفتارهای اجتماعی آنچه را می‌پسندد، همانا تواضع است. به عبارت دیگر، اگر این پرسش اساسی مطرح شود که «با دیگران چگونه رفتار کنیم؟»، پاسخ مناسب را می‌توان در آیه ۱۱۰ سوره ی مبارکه ی کهف یافت. بدان حد، تواضع در این آیه کریمه آمده است که خطاب به پیامبر اکرم (ص)، می‌فرماید: «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ» این آیه به روشنی بیانگر آن است که انسان نباید به مقام و موقعیت خود مغرور شود.

همچنین، قرآن درباره گشاده رویی پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «به خاطر رحمت الهی بود که برای مردم نرم شدی و اگر تند خو و سخت دل بودی، از دور تو پراکنده می‌شدند!» (محدثی، ۱۳۸۵، ص ۴۳).

رفتار پیامبر (ص)، به گونه ای بود که از زمانی که یتیم و بی کس بود تا زمانی که پیامبری، راهنمایی و رهبری همه مسلمانان را بر عهده گرفت، هیچ تغییری نکرد.

از امام باقر (ع) روایت شده است که پیامبر اعظم (ص) فرمود: «خمس لا ادعهن حتی الممات: الاکل علی الحضیض مع العیید، و رکوبی الحمار مؤکفا و حلبی العنز بیدی، و لبس الصوف و التسلیم علی الصبیان لتکون سنه من بعدی؛ پنج چیز است که تا زمان مرگ آنها را ترک نخواهم کرد: غذا خوردن با بندگان بر روی زمین، سوار شدن بر الاغ به صورت برهنه، دوشیدن بزها با دستان خود، پوشیدن پشمینه و در اختیار کودکان بودن. همه اینها بدان روست که این کارها به یک سنت تبدیل شود (صدوق، ۱۴۰۸ق، ص ۴۴).

در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده است: رسول خدا غالباً رو به قبله و بر روی زمین می‌نشست و غذا می‌خورد و می‌فرمود: من بنده ای بیش نیستم همان گونه که یک بنده غذا می‌خورد، غذا می‌خورم و مانند بندگان می‌نشینم (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶، ص ۲۲۹).

بنابراین، سیره عملی و احادیث پیامبر اعظم (ص) سرشار از تواضع و فروتنی و دوری از تکبر و خود بزرگی بینی است. آن حضرت ضمن آنکه خود از هر کاری که موجب تکبر شود، دوری می‌نمود، پیروان خویش را هم از آنبر حذر می‌داشت و می‌فرمود: «هر کس با تکبر و خودخواهی بر روی زمین راه برود، زمین و آنچه در زیر آنست و آنچه بر روی آنست، او را لعن و نفرین نمایند» (صدوق، ۱۴۰۵ق، ص ۶۲۷).

۴- صداقت و راستی

صداقت و راستگویی، از اعمالی نیک و یکی از فضیلت‌های بزرگ انسانی است که در همه مکاتب الهی و حتی مکاتب مادی دارای ارزش والا است. فطرت پاک انسان ایجاب می‌کند که آدم سالم و متعادل، دل و زبانش یکسو و هماهنگ باشد، ظاهر و باطنش یکی باشد و آنچه را باور دارد بر زبان جاری کند.

منابع روایی اسلامی با الفاظ و تعابیر مختلفی بر راستگویی مسلمانان تأکید کرده و آن را از اصول ایمان و تدبیر به حساب آورده است.

خداوند در سوره نحل می‌فرماید: «جز این نیست کسانی که ایمان نیاورده اند و نشانه‌های خداوند را تصدیق نکرده اند، دروغ می‌بافند»^۱. یعنی دروغگو ایمان به آیات خداوند ندارد.

آن حضرت «قول باطل» یعنی «دروغ» را از بزرگترین گناهان کبیره، معرفی می‌کند (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۱۲۵).

صداقت و راستی در گفتار و اعمال فرستادگان الهی موجب جلب اطمینان مردم به پیام‌آوران الهی می‌شود و زمینه را برای پذیرش دعوت آن‌ها فراهم می‌آورد. به عبارت دیگر، اعتقاد به دروغ بودن گفتار رسولان الهی سبب سلب اعتماد مردم از آن‌ها می‌شود.

رسول خدا (ص) در مورد قباح دروغگویی فرمود: مؤمن هر گاه بدون عذر دروغی بگوید هفتاد هزار ملک او را لعنت می‌کنند و بوی گندی از قلبش بیرون می‌آید که تا به عرش می‌رسد و خداوند به سبب این دروغ گناه هفتاد زنا، که کمترین آن زنا با مادر است برای او می‌نویسد^۲ (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۸۴).

● (ج) تربیت اخلاق اقتصادی

دین اسلام، هم دین دنیاست و هم دین آخرت. مکتب و آیین مقدس اسلام در کنار توصیه به اصلاح امر آخرت، به سامان بخشیدن دنیا نیز سفارش خاصی کرده است. این امر نشانگر آن است که، اسلام درباره وضعیت اقتصادی پیروانش بی تفاوت نمانده و با ارائه راهکارهایی بسیار ارزشمند، سمت و سوی شکوفایی اقتصادی را نشان داده است.

۱ - انما یفتی الکذب الذین لا یؤمنون بآیات الله (سوره ی نحل، آیه ۱۱۷).

۲ - ان المؤمن اذا کذب بغير عذر لعنه سبعون الف ملک و خرج من قبله تنن حتی یبلغ العرش و کتب الله علیه بتلک الکذبة سبعین زینة اھونها کمن زنی بامه.

در این راستا دین اسلام در بُعد تربیت امور اقتصادی دنیوی، به خصوص در مصارف زندگی بر رعایت میانه روی و تعادل تأکید نموده است.

بی شک یکی از مهم ترین انگیزه های مکتب اسلام در توصیه به شکوفاسازی اقتصاد و بهره مندی از دارایی کافی، نقش مهم یک اقتصاد مطلوب در زمینه سازی تقویت دینداری و اصلاح امر آخرت است.

پیامبر اکرم (ص)، در کنار همه ابعاد معنوی و تعالی بخش خویش، سیمایی متعالی از تربیت اقتصادی به جای گذاشته اند. آن حضرت بر مسأله اقتصاد اهتمام ویژه ای داشته اند. ایشان، هم خود به سامان بخشیدن آن همت می گماشتند و هم پیروانشان را به این امر فرا می خواندند.

در ادامه این بخش، ساده زیستی و قناعت و دوری از تجمل، به عنوان یکی از شاخصه های اقتصادی زندگی، در سیره پیامبر اکرم (ص)، بررسی می شود.

□ ساده زیستی و قناعت و پرهیز از تجمل

هرچند در طول تاریخ، تجمل، رفاه زدگی و مصرف گرایی، اختصاص به طبقه خاصی از جامعه داشت، اما امروزه فرهنگ چشم هم چشمی و رقابت در دستیابی به کالاها و امکانات تجملاتی، به نحو چشمگیری شیوع یافته است. بالا بردن سطح انتظارات و درخواستهای مردم از جهات مختلف مادی و ایجاد این باور که انسان باید در دنیا دارای زندگی مرفه، بی دغدغه و مملو از آسایش و آرامش ناشی از دستیابی روزافزون به امکانات تجملاتی مادی باشد، موجب شکل گیری یک قالب شخصیتی تجمل گرا در میان انسان ها شده است.

این در حالی است که مطابق اسناد معتبر تاریخی اصل سادگی و رعایت قناعت و زهد و بی رغبتی به دنیا، یکی از اصول حاکم بر زندگی پیامبر اکرم (ص) بوده است. بررسی مراحل زندگانی و دیدگاه متعالی آن حضرت، عمق این اصل را به خوبی تبیین می کند.

از نظر مفهومی، ساده زیستی و زهد عبارت است از: «دل برداشتن از دنیا و آستین فشاندن بر آن و اکتفاء کردن به قدر ضرورت از برای حفظ بدن» که تجلی عملی آن در زندگی، ساده زیستی و قناعت خواهد بود. انسان های زاهد اگرچه خود می توانند با استفاده از نعمت های پروردگار زندگی بهتری را برای خویش فراهم سازند، اما از آنجا که دل بستگی به زخارف دنیوی ندارند، دیگران را بر خود مقدم می دارند و خود به اندکی از مال دنیا اکتفاء می کنند؛ «وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» (نراقی، ۱۳۸۰، ص ۲۷۵).

زندگانی رسول اکرم (ص)، به شکلی بود که در سطح پایین تر از طبقه متوسط جامعه آن روز قرار داشت، به گونه ای که بر اساس برخی از روایات، آن حضرت برای همسانی با طبقه کم درآمد و فقیر امت اسلامی، حتی از خوردن نان گندم نیز پرهیز می کرد. در روایتی از امام صادق (ع) سوال شد: «آیا روایتی که از پدر بزرگوار شما نقل شده است که پیامبر هیچ گاه از نان گندم سیر نخورد، درست است یا خیر؟ فرمود: نه، پیامبر هیچ گاه نان گندم نخورد و از نان جو نیز هیچ گاه سیر نخورد» (طبرسی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۳۵).

در روایت دیگری از ابن مسعود نقل شده است: «شخصی به محضر پیامبر گرامی شرفیاب شد، هنگامی که با آن حضرت در حال گفت و گو بود، زبانش به لکنت افتاد. آن حضرت فرمود: راحت باش! من پادشاه و سلطان نیستم، من فرزند زنی از قریش هستم که قدید (نوعی گوشت پخته که آن را بر روی سنگ قرار می دادند و در زیر آفتاب داغ می پختند) می خورد» (قزوینی، ۱۴۲۵، ج ۲، ص ۱۱۰۱).

غذای متعارف حضرت نان جو و خرما بود. کفش و لباس هایش را با دست خویش وصله می کردند. در عین سادگی، طرفدار فقر نبودند و مال و ثروت را به سود جامعه و برای صرف نمودن در راههای مشروع و مناسب، لازم می شمردند. همچنانکه میفرمودند: «نِعْمَ الْمَالُ الصَّالِحِ لِلرَّجُلِ الصَّالِحِ»؛ چه نیکوست ثروتی که از راه مشروع به دست آید، برای آدمی که شایسته داشتن ثروت باشد و بداند چگونه صرف کند. همچنین آن حضرت می فرمودند: «نِعْمَ الْعَوْنُ عَلَى تَقْوَى اللَّهِ الْغَنَى». مال و ثروت کمک خوبی است برای تقوا (مطهری، ۱۳۸۶، ص ۱۳۶).

از دیگر جنبه های دیدگاه و منش ساده زیستی رسول گرامی اسلام (ص) این است که ایشان هرگز اجازه نمی دادند که مجلس شان صدر و ذیل و بالا و پایین داشته باشد، ایشان پیوسته می فرمودند: «اصحاب و یاران حلقه و دایره وار بنشینند تا مجلس بالا و پایین نداشته باشد» (مطهری، ۱۳۸۳، ص ۱۰۱).

بنابراین می توان گفت، قناعت و ساده زیستی از ویژگی های بارز زندگانی پیامبر خدا (ص) بود

د) تربیت اجتماعی

انسان، موجودی اجتماعی است و بدون ارتباط با افراد جامعه، هرگز نمی تواند به مراحل رشد، کمال و سعادت برسد و در این زمینه موفقیت انسان در گرو جلب دوستی دیگران است. به این سبب، هر کسی در این جهان دوست دارد تا در دل انسانها نفوذ کرده، طرف مقابل را با خود هم رأی و هماهنگ کند؛ زیرا برای موفقیت در یک تعامل اجتماعی، بهترین گزینه و روش، همان نفوذ در دل

افراد جامعه و فتح دل آنان است.

رمز توفیق پیشوایان دینی ما، به ویژه رسول مکرم اسلام (ص) نیز، در ارتباط متعالی و تنگاتنگ اجتماعی با مردم نهفته است. آن بزرگواران برای نیل به اهداف آسمانی و مقدس خویش تلاش می‌کردند تا دل و جان مخاطبان را تسخیر کنند و ارزشها و معارف الهی - انسانی، بهتر و عمیق‌تر در وجود مخاطبان شان جای گیر شود. در این راستا، پیامبر اکرم (ص) به عنوان معلم بشریت، عامل اصلی زمینه سازی تربیت اخلاقی صحیح اجتماعی را در پرورش نسلی شایسته و با ادب معرفی می‌نماید که تحقق این هدف در سایه تربیت فرزندان صالح توسط خانواده است: «حق الولد علی الوالدان یحسن اسمه و یحسن ادبه» (متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۴۷۷).

در ذیل برخی از شاخصه های تربیت اجتماعی با استناد به سیره ی نظری و عملی پیامبر اکرم (ص)، بررسی می‌شود.

۱- احسان و کمک به نیازمندان

خدمت به مردم از کاربردی ترین شیوه های تربیتی برای جذب دل ها است؛ چرا که انسان به طور فطری، خود را دل بسته و فریفته کسی می‌داند که به او نیکی کند و یا گره ای را از مشکلات زندگی اش باز می‌کند.

یکی از وظایف اخلاقی- تربیتی هر انسانی در جامعه این است که در برآورده ساختن نیازهای هموعان خود تلاش نماید. رفع نیاز از یک مسلمان و برآورده ساختن حاجت او، نه تنها اجر و پاداشی بالاتر و برتر از بیست حج دارد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، صص ۳۶۳-۳۶۵)، بلکه از محبوب ترین کارها نزد خدا به حساب می‌آید (ابی یعقوب، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۱۰).

احیا و اعطاء حقوق نیازمندان جامعه، مستلزم تامین نیازها و منابع مالی و ساز و کاری برای حمایت از آنان است. حمایت از محرومان به مفهوم پراکنده نمودن و توزیع فقر در جامعه نیست، بلکه؛ ریشه کنی فقر از جامعه است. این کار موجب توسعه و عمران در جامعه می‌شود. با حمایت از نیازمندان می‌توان آنها را به بازار کار و تولید کشاند تا رقابت سالم و صحیح پدید آید و بر حجم و کیفیت تولیدات افزوده شود.

پیامبر اکرم (ص)، در حدیثی گرانبها، کمک به برادر دینی خود را هم ردیف با مجاهدان در راه خدا معرفی می‌فرماید: «مَنْ قَضَى لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ حَاجَةً كَانَ كَمَنْ عَبَدَ اللَّهَ دَهْرَهُ» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۸۱)؛ کسی که برای کمک به برادر مؤمن خود اقدام کند، پاداش مجاهدان در راه خدا به او داده خواهد شد.

آن حضرت ارزش و مقام کسی را که نیاز شخص نیازمند را برطرف کند چنین وصف می‌کند: «کسی که برای رفع نیاز برادر مومن خود کوشش نماید مانند این است که نه هزار سال خداوند متعال را عبادت نموده در حالی که روزها را روزه گرفته و شب‌ها را هم شب زنده داری نموده است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴، ص ۳۱۵).

همچنین آن حضرت اهمیت خدمت رسانی به مسلمانان را چنین ترسیم می‌نماید: «أَيُّهَا مُسْلِم خَدَم قَوْمًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا أَعْطَاهُ اللَّهُ مِثْلَ عَدَدِهِمْ خُدَامًا فِي الْجَنَّةِ» (کلینی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۲۰۷)؛ هر مسلمانی که گروهی از مسلمانان را خدمت کند، خداوند به تعداد آنان در بهشت به او خدمتکار دهد.

ثواب و پاداش اطعام مؤمن بدان حد والاست که رسول گرامی اسلام (ص) در این باره می‌فرماید: «هر کس مومنی را اطعام نماید و غذائی بخوراند تا او را سیر کند، هیچ یک از خلق خدا نمی‌تواند ثواب او را بشمارند، نه ملک مقرب و نه پیغمبر مرسل؛ مگر خداوند عالمیان» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۴۴).

سرانجام اینکه اگر کسی در امر کمک رسانی و خدمت به برادر مسلمان خود، کوتاهی کند، پیامبر اعظم (ص)، او را مسلمان نمی‌شمارد: «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ وَمَنْ سَمِعَ رَجُلًا ينادِي بِاللْمُسْلِمِينَ! فَلَمْ يَجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» (کلینی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۶۴)؛ کسی که شب را به روز آورد و به امور مسلمانان رسیدگی نکند، از مسلمانان نیست و نیز هر که بشنود مردی از مسلمین فریادرسی می‌خواهد، به او پاسخ ندهد، از مسلمین نیست.

۲- حسن معاشرت:

حسن معاشرت، برخورد شایسته و خدمت رسانی به خلق خدا از سفارشات قرآن کریم، پیامبر گرامی اسلام (ص) و پیشوایان معصوم ماست. طبق دستورات دین اسلام مسلمانان باید با هم رفتاری نیکو و ملاحظت آمیز داشته باشند و هیچ کس حق ندارد بر اساس معیارهای مادی رفتار خود را با دیگران تنظیم نموده و فقرا را به خاطر فقر و تهی دستی مورد بی مهری قرار دهد، بلکه باید با چهره ای باز و گشاده بر اساس معیارانسانیت و ایمان با دیگران روبه رو شوند و گره از مشکلات هم بگشایند.

در بین جوامع مختلف افراد هنگام ارتباط و روبه رو شدن با یکدیگر از کلمات و رفتارهای متفاوتی استفاده می‌کنند. در آیین مقدس اسلام نیز روی برخورد نیکو تأکید زیادی شده و به تحیت- که همان سلام است- هنگام برخورد با یکدیگر سفارش شده است.

رسول گرامی اسلام (ص) در برخورد با همه مردم، طوری رفتار می نمود که شخصیت و احترام افراد مراعات شود و کسی تحقیر نگردد و یا مورد تمسخر واقع نشود.

از جریر روایت شده است که وقتی کسی بر پیامبر وارد می شد، آن حضرت او را در بهترین جای منزل سکونت می داد، به گونه ای که وقتی مهمانی وارد منزل آن حضرت شد و به دلیل نبودن جا، در مکانی بدون فرش نشست، آن حضرت لباس خود را به عنوان زیرانداز او قرار داد. یحیی بن یعمر روایت کرده است: وقتی جریر به خانه پیامبر، که مملو از جمعیت بود، وارد شد و به دلیل نبود جا در بیرون خانه نشست، پیامبر به او اشاره کرد، لباس مبارکش را در حالی که پیچیده بود، به او داد تا بر روی آن بنشیند، ولی جریر نیز رعایت ادب نمود و به جای آنکه بر روی لباس پیامبر بنشیند، آن را گرفت و به صورت و قلب خودش کشید (اصبهانی، ۱۹۹۸، ج ۱، ص ۸۷).

همچنین سلمان فارسی نقل می کند: روزی بر پیامبر (ص) وارد شدم، در حالی که بر متکایی تکیه زده بود. وقتی نشستم، آن حضرت متکایش را به من داد و فرمود: ای سلمان، هیچ مسلمانی نیست که بر برادر مسلمانش وارد شود و برای احترام متکایی برایش بیاورد، جز اینکه خدا از گناهانش می گذرد (همان، ص ۲۰).

بنابراین، یکی از خصوصیات اخلاقی که قرآن کریم بر پیامبر اکرم (ص) ذکر کرده است، برخورداری از شخصیتی والا و اخلاقی نیکو است: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ».

جمع بندی و نتیجه گیری

در جهان کنونی، اخلاقیات و زندگی اخلاقی در اثر متزلزل شدن نظام های ارزشی و سست شدن مبانی مقدسات مورد تهدید قرار گرفته، با ثبات ترین عقاید دینی از وی گرفته شده، اندیشه های مکانیکی و عاریتی جایگزین آن گردیده و انسان با آشفتگی های گوناگون درونی و بیرونی مواجه شده که مهم تر از همه بحران معرفت دینی است.

به همین سبب، انسان امروز در رویارویی با نعمتهای دنیوی راه افراط و تفریط را پیشه خود ساخته و حداکثر تلاش خود را در جهت جمع آوری مادیات دنیوی، صرف کرده و تقوا، ساده زیستی، قناعت، صداقت و... را در زندگی خود کم رنگ نموده است. توجه در ابعاد مادی زندگی غالب بر توجه در عناصر معنویات شده است.

انبیاء الهی، به خصوص؛ رسول گرامی اسلام (ص)، بهترین شیوه های تربیتی را فرا روی پیروان خود قرار داده است. زندگی متعالی آنان می تواند به عنوان موفق ترین الگوهای تربیتی در طول تاریخ بشر مطرح شود.

با بررسی که انجام شد، مشخص گردید، الگوی اخلاقی - تربیتی پیامبر اکرم (ص)، به دلیل وجود دو شاخصه؛ یکی در شخص پیامبر اکرم (ص)؛ و دیگری در شریعت و آیینی که آن حضرت از سوی خداوند برای هدایت بشریت آورده است، مناسب ترین و نیکوترین الگوی تربیتی است.

مطابق بررسی های انجام یافته در این مقاله، زندگانی گهربار پیامبر اکرم (ص)، سرشار از معنویت، صفا، عاطفه و مهرورزی بوده است. در بعد اخلاق و آداب زندگانی فردی - معنوی؛ آن حضرت نمونه ی کامل انسانی از لحاظ ایمان، تقوی، پرهیزکاری، قناعت، نیکوکاری و نیک خلقی، جوانمردی و مردانگی، عنصر گذشت و فداکاری و... است.

در بعد اخلاق و آداب زندگانی اجتماعی؛ آن پیامبر بزرگوار، الگوی مردم داری و مردم سالاری، دستگیر نیازمندان، مرحم درد دردمندان و بی کسان، پرچمدار حقوق بشر در جامعه و... است.

در این راستا، ما به عنوان رهروان راه رسول گرامی اسلام (ص)، تنها به استفاده از کتب و نوشته ها بسنده نکنیم. باید در کاربردی ساختن این فضیلت های اخلاقی در خود و همچنین شیوع دادن آن در سطح جامعه از طریق تدارک آموزش های لازم از طریق؛ آموزش در مدارس و دانشگاهها، کانون های فرهنگی و آموزشی، آموزش از طریق رسانه های دسته جمعی از قبیل: رادیو، تلویزیون، روزنامه ها، مجلات و... تلاش کنیم تا معارف و سیره اخلاق و آداب نبوی در سطح جامعه فراگیر گردد.

منابع:

- ابراهیم زاده، عیسی (۱۳۸۳)، فلسفه تربیت، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۲۲ق)، مقدمه ابن خلدون، بیروت: انتشارات دارالعلم.
- ابن مسکویه (۱۳۷۱)، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، قم: نشر بیدار.
- ابن منظور، مصری (۱۴۱۶ق)، لسان العرب (ج ۴ و ۶)، بیروت: دار احیاء التراث العربی، طبعه الاولى.
- ابی یعقوب، احمد (۱۴۰۵ق)، تاریخ یعقوبی (ج ۲)، بیروت، دار صادر.

اتکینسون، آر. اف (۱۳۶۹)، در آمدی به فلسفه اخلاق، ترجمه سهراب علوی نیا، تهران: مرکز ترجمه و نشر کتابت.

احمدی، سید احمد (۱۳۷۸)، اصول و روشهای تربیت در اسلام، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ چهارم.

اصبهانی، عبدالله بن محمد بن جعفر (۱۹۹۸م)، اخلاق النبی و آداب (ج ۱)، بیروت: دارالعلم للنشر والتوزیع.

الهی قمشه ای، مهدی (۱۳۷۵)، ترجمه ی قرآن کریم، تهران: مؤسسه نشر اشرفی، چاپ اول.

بتوئی، فاطمه سادات (۱۳۹۰)، انسان امروز و سیره اخلاقی پیامبر اعظم (ص)، پایان نامه کارشناسی ارشد، حوزه علمیه خراسان.

بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۷ق)، صحیح بخاری (ج ۵)، بیروت: دار ابن کثیر الیمامه.

پاینده، ابو القاسم (۱۳۷۵)، ترجمه نهج الفصاحه، تهران: انتشارات جاویدان.

حاکم حسکانی، عبدالله بن احمد (۱۴۱۱ق)، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الآیات النازلہ فی اهل البیت (علیه السلام)، تحقیق محمدباقر محمودی، تهران: مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه.

حرعاملی، محمد بن الحسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه (ج ۱۵ و ۱۶)، تحقیق: مؤسسه آل البیت، قم: انتشارات مؤسسه آل البیت، چاپ چهارم.

دشتی، علی (۱۳۸۲)، ترجمه نهج البلاغه، تهران: انتشارات مکتب اسلامی.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۲)، لغت نامه دهخدا، تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ پنجم.

راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۴ق)، معجم مفردات الفاظ القرآن، تحقیق: ندیم مرعشلی، بیروت: دارالکتب العربی، طبعه الاولى.

سدیدی، عفت (۱۳۸۹)، سیره اخلاقی - خانوادگی (ص)، پایان نامه کارشناسی ارشد، حوزه علمیه سبزوار.

شکوهی، غلامحسین (۱۳۸۲)، مبانی و اصول آموزش و پرورش، مشهد: آستان قدس رضوی، چاپ یازدهم.

صدوق، محمد (۱۴۰۸ق)، الامالی، مشهد: آستان قدس رضوی و بنیاد پژوهش های اسلامی.

صدوق، محمد (۱۴۰۵ق)، ثواب الاعمال، قم: موسسه نشر اسلامی.

صدوق، محمد (۱۴۰۴ق)، من لایحضره الفقیه، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم.

نقطہ برکار ویژہ نامہ میلاد پیامبر اعظم (ص) ۱۲۰

- صدوق، محمد (۱۴۰۳ق)، خصال (ج ۱)، ترجمہ سید احمد فہری، قم: موسسہ نشر اسلامی.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۵)، احتجاج (ج ۱)، تهران: کتابفروشی مصطفوی.
- طریحی نجفی، فخر الدین حسین (۱۳۹۶ق)، مجمع البحرین (ج ۳)، قم: المكتبة المرتضویة، الطبعة الاولى.
- طوسی، محمد (۱۴۱۴ق)، امالی، قم: انتشارات دارالثقافہ.
- فناں نیشابوری، محمد (۱۴۲۰ق)، روضۃ الواعظین، قم: انتشارات رضی.
- فیض کاشانی، محمد محسن (۱۴۲۱ق)، حدائق الحقائق، قم: مؤسسۃ المعارف الاسلامیہ.
- فیض کاشانی، محمد محسن (۱۳۷۸)، المحجۃ البيضاء (ج ۴)، قم: انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
- قزوینی، محمد بن یزید (۱۴۲۵ق)، سنن ابن ماجہ (ج ۲)، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت: انتشارات دارالفکر.
- قمی، شیخ عباس (۱۴۱۶ق)، سفینۃ البحار (ج ۲)، تهران: انتشارات دارالاسوہ.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۲)، اصول کافی (ج ۱ و ۲)، تهران: انتشارات مکتب اسلامی.
- لطفی میامی، اکرم (۱۳۹۰)، پیامبر اعظم (ص) الگوی زندگی: رھیافتی نواز سیرہ پیامبر اعظم (ص)، پایان نامہ کارشناسی ارشد، حوزه علمیہ خراسان.
- نراقی، ملا علی (۱۳۸۰)، معراج السعاده، تهران: انتشارات دھقان، چاپ سوم.
- نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل (ج ۱، ۲ و ۱۱)، بیروت: مؤسسہ آل البيت الاحیاء التراث العربی، چاپ دوم.
- متقی ہندی، علی (۱۴۰۹ق)، کنز العمال (ج ۳ و ۶)، بیروت: مؤسسۃ الرسالۃ.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق)، عین الحیوۃ، تهران: انتشارات قائم.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار (ج ۱، ۱۶، ۶۸، ۷۰، ۷۱، ۷۴، ۷۷ و ۷۶)، بیروت: دار احیاء التراث العربی الثالثہ.
- محدثی، جواد (۱۳۸۵)، اخلاق معاشرت، قم: مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیہ قم، چاپ نهم.
- مطہری، مرتضی (۱۳۷۸)، آشنایی با علوم اسلامی؛ حکمت عملی، تهران: انتشارات صدرا، چاپ پنجم.

- مطهری، مرتضی (۱۳۷۵)، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: انتشارات صدرا، چاپ دهم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۶)، وحی و نبوت، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۳)، حکمتها و اندرزها، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۳)، پیامبر امی، تهران: انتشارات صدرا.
- مفید، محمدبن محمد (۱۴۰۳ق)، امالی، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶)، تفسیر نمونه (ج ۱۳)، قم: دار الکتب الاسلامیه.
- مناوی، عبدالرؤوف (۱۴۰۵ق)، فیض الغدیر (ج ۵)، مصر: المكتبة التجارية الكبرى.
- موسوی لاری، مجتبی (۱۳۸۵)، رسالت اخلاق در تکامل انسان، تهران: دفتر تبلیغات اسلامی.
- هوشیار، محمدباقر (۱۳۸۵)، اصول آموزش و پرورش، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.